

بررسی عملکرد دولت درباره قاجاق گندم در مرز ایران و عراق (۱۳۰۴-۱۳۲۱ ش)

صفورا برومند*

زهرا شریف کاظمی**

چکیده

مرز غربی ایران به علت ساختار جغرافیایی، یعنی قرارداشتن در مسیر راه‌های تجارت بین‌الملل، یکی از مراکز قاجاق کالا بود. تأسیس کشور عراق با داشتن طولانی‌ترین مرز با ایران مناسبات این دو کشور را، به‌ویژه در خصوص قاجاق گندم، تحت تأثیر قرار داد. اهمیت گندم به منزله اصلی‌ترین آذوقه مردم، موقعیت جغرافیایی، وقوع جنگ جهانی دوم، و ورود ناخواسته ایران به این جریان زمینه‌ساز تشدید قاجاق کالا در مرز ایران و عراق شد. این امر پیامدهایی را به دنبال داشت که به وضع قوانین جدید در نظارت بر مناسبات تجاری با عراق انجامید. پژوهش حاضر با مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای، به شیوه توصیفی-تحلیلی، به بررسی عملکرد دولت در جلوگیری از قاجاق گندم در مرز ایران و عراق در دوره پهلوی تا ماه‌های آغازین اشغال ایران به دست متفقین (۱۳۰۴-۱۳۲۱ ش) می‌پردازد. دستاورد پژوهش مبین این امر است که با وجود اقدام دولت برای جلوگیری از قاجاق گندم، مسائلی چون فقر، نبود امکانات برای فعالیت اقتصادی قانونی، تنوع مراجع تصمیم‌گیری چون امنیه و گمرک، ناامنی در مرزها، مناقشات داخلی در عراق و نبود همکاری با ایران، و اشغال ایران به دست متفقین موانعی در برابر تلاش‌های دولت ایران برای جلوگیری از قاجاق گندم به عراق بود.

کلیدواژه‌ها: قاجاق، گندم، کالای استراتژیک، مرز ایران و عراق، جنگ جهانی دوم.

* استادیار و عضو هیئت علمی پژوهشکده تاریخ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

s.borumand@ihcs.ac.ir

** کارشناس ارشد تاریخ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، zkazemi56@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۴/۲۲

۱. مقدمه

قاچاق به تخلف گمرکی شامل جابه‌جایی کالا در طول مرز گمرکی به روشی مخفیانه و به منظور فرار از نظارت گمرکی اطلاق می‌شود (بنائی، ۱۳۷۷: ۷۶). موقعیت جغرافیایی مرزهای غربی ایران و دسترسی به راه‌های تجارت بین‌الملل عامل مهمی در تبدیل این منطقه به یکی از مراکز تمرکز قاچاق بوده است و گندم، به‌منزله یکی از اصلی‌ترین آذوقه‌های عامه مردم، از عمده کالاهای قاچاق در این مرز محسوب می‌شود. هم‌زمان با به قدرت‌رسیدن رضاشاه (۱۳۰۴-۱۳۲۰ ش) و اعمال برخی اصلاحات در ساختار اداری و وضع قوانین جدید برای نوسازی و توسعه اقتصادی، عراق نخستین سال‌های تأسیس را پشت سر می‌گذاشت. تغییرات آب و هوایی که به کاهش کشت محصولات کشاورزی منجر شد، اغتشاشات داخلی و کودتا در عراق، وقوع جنگ جهانی دوم (۱۳۱۸-۱۳۲۴ ش)، و ورود ناخواسته ایران به جنگ تشدید قاچاق کالا از جمله گندم در مرز ایران و عراق را به دنبال داشت. این امر به وضع قوانین و مقررات جدید در جلوگیری از قاچاق انجامید.

پژوهش حاضر با رویکرد تاریخی و به شیوه توصیفی - تحلیلی، مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی، درصدد پاسخ به این پرسش‌هاست که عملکرد دولت در کاهش قاچاق گندم در مرز ایران و عراق در سال‌های ۱۳۰۴-۱۳۲۱ ش چگونه بوده و چه نتایجی را به دنبال داشته است؟

فرضیه اصلی این پژوهش نیز بدین شرح است که اقدامات دولت برای جلوگیری از قاچاق به‌طور عام و قاچاق گندم به‌طور خاص به دلایلی چون فقر در مناطق مرزی، نبود امکانات برای فعالیت اقتصادی قانونی، مناقشات در عراق، و اشغال ایران در جنگ جهانی دوم نتوانست کارآمد باشد.

در خصوص قاچاق گندم در مرز ایران و عراق اثر مستقلی تألیف نشده است. فرد هالیدی (F. Halliday) در *دیکتاتور و توسعه سرمایه‌داری در ایران* نیم‌نگاهی به این معضل داشته است (هالیدی، ۱۳۵۸). ویلم فلور (W. Floor) در *جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران* اشاره‌ای کوتاه به صادرات و واردات پنهانی به‌دست زوار ایرانی اماکن متبرکه عراق دارد (فلور، ۱۳۶۶). سید اسماعیل دستغیب در *گمرک ایران تصویر کوچکی از واقعیتی بزرگ* به‌اختصار به راه‌کارهای جلوگیری از قاچاق در دوره‌های قاجار و پهلوی می‌پردازد (دستغیب، ۱۳۸۹). محمدرضا حافظ‌نیا و محسن جان‌پرور در *مرزها و*

جهانی شدن به اختصار موضوع قاچاق در مرزها و علل و انگیزه آن را بررسی کرده‌اند (حافظنیا و جان‌پرور، ۱۳۹۲). در خصوص تجارت غیرقانونی و قاچاق با رویکرد مباحث مرتبط با حقوق و جزا، مدیریت بازرگانی، و اقتصاد پایان‌نامه‌هایی تألیف شده است که از نظر موضوعی و رویکرد با موضوع مورد بحث این پژوهش تفاوت دارد. یگانه موردی که تا حدودی، با رویکرد تاریخی، به مبحث قاچاق در ایران می‌پردازد پایان‌نامه داود داورپناه با عنوان «تحولات تاریخی جرایم خاص مرزی در ایران» در رشته حقوق دانشگاه آزاد (واحد مرکزی) است که در آن اهمیت مفهوم مرز در سیر رخ داده‌های تاریخی، روند تقسیم مرزها، قاچاق از دیدگاه قانون‌گذار، و مصادیق جرایم مرزی بررسی شده است (داورپناه، ۱۳۸۹). در حوزه مقالات تاریخی نیز در مقالات مرتضی دهقان‌نژاد و الهام لطفی با عناوین «بررسی و تبیین عوامل مؤثر در شیوع قحطی سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۴ ش و اقدامات دولت در کاهش آثار مخرب آن» (۱۳۹۲) و «کمبود مواد غذایی و شورش‌های مردم ایران در سال‌های جنگ جهانی دوم (۱۳۲۰ تا ۱۳۲۴ ش / ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۵ م)» (۱۳۹۳) به قاچاق گندم در مرز قصرشیرین اشاره شده است. بدین ترتیب، عملکرد دولت در جلوگیری از قاچاق گندم در مرز ایران و عراق در سال‌های ۱۳۰۴-۱۳۲۱ ش موضوعی جدید به‌شمار می‌رود که در مقاله حاضر بررسی می‌شود.

۲. مبادی و عاملان قاچاق در مرز ایران و عراق

رکود فعالیت‌های اقتصادی، نقصان در کشت و زرع محصولات کشاورزی ناشی از خشک‌سالی، و کمبود مواد غذایی و فقر از جمله علل قاچاق در مناطق مرزی به‌شمار می‌رود. این اوضاعی بود که ایران در سال‌های پیش از به‌قدرت‌رسیدن رضاشاه به آن دچار بود و به‌واسطه وقوع جنگ جهانی اول (۱۲۹۳-۱۲۹۷ ش) و درگیر شدن ایران در این غائله اوضاع وخیم‌تر شد. فرار از پرداخت مالیات و عوارض گمرکی و رواج قاچاق (تراپی فارسانی، ۱۳۸۳: ۶۴) ناشی از ناامنی مرزها نیز از عواقب این اوضاع بود هم‌چنین در برخی موارد مقامات رسمی در قاچاق دست داشتند (فلور، ۱۳۶۶: ۲۳۷). اجرای قانون انحصار تجارت خارجی در سال ۱۳۰۹ ش در جهت کسب درآمد برای نوسازی ایران در دوره رضاشاه (غلامی و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۵-۵۵) فعالیت قاچاق در مرزها به‌ویژه مرز ایران و عراق را تحت تأثیر قرار داد. قاچاقچیان مرز غربی ایران بیش‌تر در کرمانشاه و اطراف آن توقف می‌کردند و قصرشیرین از مراکز عمده اجتماع آنان بود. مناطق غیرمجاز عبور

قاچاقچیان از خسروی تا قره‌تو در مسیر کوره‌راه‌ها در ناحیه سرحدی و منشعبات آن قرار داشت. دره‌های متعدد و پشت سر هم و مخفیگاه‌های طبیعی موقعیت مناسبی را برای قاچاقچیان فراهم می‌کرد تا تردد آن‌ها در معرض دید گارد سرحدی و نیروهای تعقیب و تفتیش قاچاق نباشد (ساکما: ۲۳۱۰-۲۴۰، ۳۲).^۱

بازرگانان و پیشه‌وران نخستین گروه از قاچاقچیان بودند که در فرصت مناسب و برای فرار از پرداخت گمرک به قاچاق کالا روی آوردند. دومین گروه که به قاچاق مبادرت می‌ورزیدند زوار عتبات بودند. «صادرات پنهانی» از سوی آن‌ها به اماکن متبرکه عراق و از آن‌جا به ایران از مشکلات گریبان‌گیر دولت بود (فلور، ۱۳۶۶: ۲۳۷). آن‌ها با استفاده از عنوان «زائر» به وزارت دارایی درباره ضبط اموالشان شکایت می‌کردند (ساکما: ۱۳۱۸۴-۲۴۰، ۵). گروه سوم قاچاقچیان عشایر و رعایای مرزی چون کردهای پشتکوه و عرب‌های خوزستان، عشایر سرحدات قصرشیرین از جمله ایلات سنجابی، خلخال، و گوران بودند که در مواقع ناامنی ورود کالای قاچاق و انتقال گندم و قالی به مرز عراق را بر عهده داشتند. گروه بعدی قاچاقچیان کاسبان خرده‌پا بودند که برای کسب سود هرچند بسیار کم به قاچاق روی می‌آوردند. گروه دیگر دله‌قاچاقچیان یا مردمان فقیر و بی‌بضاعت و کسبه بی‌سرمایه بودند. آن‌ها زمستان‌ها، که کار در نقاط دیگر راکد بود، به قصرشیرین می‌آمدند و چند روزی از طریق کارگری، گدایی، یا دست‌فروشی مبلغ ۳ الی ۴ تومان به‌دست می‌آوردند و به خانقین یا دهات اطراف می‌رفتند تا با آن پول معامله کنند و در پایان زمستان دوباره از همان مسیر بازمی‌گشتند. در صورت دست‌گیرشدن نیز اعلام می‌کردند که این کالاها متعلق به آن‌هاست و با توجه به این‌که میزان کالاها بسیار کم بود و مأموران گمرک مدارکی برای دست‌گیری آنان نداشتند قرار منع تعقیب صادر می‌شد. گروه دیگر از دله‌قاچاقچیان کودکان نابالغ بودند که قانونی برای تعقیب آنان صادر نشده بود و با سرمایه ۵ قرانی، که از گدایی به‌دست می‌آوردند، برای قاچاق به قره‌تو و فراسوی مرز می‌رفتند (ساکما: ۲۳۱۰-۲۴۰، ۱۵ و ۱۶). زنان بی‌بضاعت و بی‌سرپرست نیز برای امرار معاش به قاچاق روی می‌آوردند. طبق گزارش رئیس گمرکات قصرشیرین، ازدیاد مستحفظان سرحدی و سخت‌گیری برای رعایت قوانین یگانه راه جلوگیری از فعالیت دله‌قاچاقچیان بود (همان)، اما آن‌ها با وجود محکوم‌شدن و پس از پایان حبس نیز به کار خود ادامه می‌دادند (ساکما: ۲۳۱۰-۲۴۰، ۷-۱۹). گروه دیگر قاچاقچیان مأموران پست‌های امنیه و مستحفظان سرحدی بودند که در برخی موارد اقوامی در آن سوی مرز داشتند و به‌علت مشکلات مالی و یا رعایت‌نکردن قوانین از قاچاق سود می‌بردند.

۳. اقدامات دولت در خصوص جلوگیری از قاچاق گندم به عراق

دولت از سال ۱۳۰۶ ش در خصوص جلوگیری از قاچاق در مرزها قوانینی را تصویب کرد که روند قاچاق گندم به عراق را نیز تحت تأثیر قرار می‌داد. در تصویب‌نامه سال ۱۳۰۶ ش، دوره ششم قانون‌گذاری مجلس، مال قاچاق مال موضوع عایدات دولت و اشیای ممنوع‌الورود قلمداد شد. مجازات قاچاق حبس تأدیبی از هشت روز تا یک سال بود و محکومان می‌بایست عین یا مثل قیمت مال قاچاق‌شده و اشیای ممنوع‌الورود را تحویل می‌دادند (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، ۱۳۰۶: دوره ششم، ۲۲ اسفند). مأمور اجرای این قانون وزارت عدلیه بود. مصوبه بعدی در دوره هفتم قانون‌گذاری مجلس در ۱۲ ماده به تصویب رسید. طبق این قانون، مجازات محکومان، علاوه بر رد مال یا قیمت آن، پرداخت دو برابر عایدات تعیین‌شده برای دولت بود. هم‌چنین حبس تأدیبی از سه ماه تا دو سال در نظر گرفته شد و افرادی که قادر به پرداخت مبلغ جریمه نبودند، طبق تبصره ماده اول، به‌ازای هر یک تومان محکوم به تحمل یک روز حبس بودند. در این قانون، برای مأموران کشف یا تعقیب قاچاق که خود مرتکب قاچاق می‌شدند یا شرکت یا معاونت در ارتکاب آن داشتند نیز مجازات تعیین شد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، ۱۳۰۷: دوره هفتم، ۱۶ اسفند). در این تصویب‌نامه، علاوه بر وزارت عدلیه که در قانون مصوب ۱۳۰۶ ش مأمور اجرای قانون بود، وزارت مالیه نیز موظف به اجرای قانون شد. هم‌چنین در جلسه هیئت وزیران ۲۷ آذرماه ۱۳۱۰ ش در خصوص لزوم تسهیل مبادلات سکنه قراء سرحدی و عشایر مجاور سرحدات قانونی تصویب شد (ساکما: ۱۲۲۶۲-۲۴۰، ۲۴ و ۲۶) که به موجب آن هریک از افراد عشایر سرحدی و ساکنان قریه‌های مجاور سرحد می‌توانستند از محصولات یا اشیایی که مایملک خودشان بود هر بار تا میزان ۱۰۰ ریال بدون فروش اسعار و اخذ تصدیق صدور از سرحدات ایران صادر کنند؛ هم‌چنین سالی دو مرتبه تا مبلغ ۵۰ ریال اجناسی که مورد احتیاجشان بود از قبیل حیوانات، پشم، و مواد غذایی را بدون ارائه مجوز وارد کنند (ساکما: ۱۲۲۶۲-۲۴۰، ۲۴). گمرک سرحدی هم موظف بود که تسهیلات لازم برای اجرای این تصویب‌نامه را فراهم کند (ساکما: ۱۲۲۶۲-۲۴۰، ۲۶). در دوره نهم قانون‌گذاری مجلس و در ۲۹ اسفند ۱۳۱۲ ش نیز قانونی در ۵۰ ماده تصویب شد. این قانون در مقایسه با قوانین قبلی مفصل‌تر و مجازات تعیین‌شده در آن همانند تصویب‌نامه سال ۱۳۰۶ ش بود. تمایز این تصویب‌نامه با تصویب‌نامه‌های قبلی گنجاندن فصلی در خصوص وظایف و اختیارات مأموران کشف و تعقیب قاچاق و پاداش کاشفان بود. بدین ترتیب که اگر مأموران در قاچاق مشارکت می‌کردند، به مجازات مقرر برای

اختلاس کنندگان اموال دولتی محکوم می‌شدند و اگر مأموری فردی را به قاچاق متهم می‌کرد، پس از اثبات جرم، به انفصال موقت یا دائم از خدمات دولتی محکوم می‌شد. در این تصویب‌نامه، به وزارت مالیه اجازه پرداخت حق‌الکشف به کاشفان، مخبران، و همچنین به مأموران انتظامی داده شد که در کشف قاچاق و ضبط جنس دخالت داشتند (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، ۱۳۱۲: دوره نهم، ۲۹ اسفند).^۲

این قوانین در دورانی تصویب شد که طبق مستندات موجود بخش‌هایی از ایالات مجاور مرزهای غربی ایران با مشکل کاهش بارندگی، کمبود غله، و قاچاق گندم به عراق روبه‌رو بود (ساکما: ۱۳۱۰-۱۳۱۲، ۶، ۲۴۰؛ ساکما: ۱۳۱۰-۱۳۱۰، ۵، ۲۴۰). از نخستین اقدامات دولت پس از اسکان عشایر در مرزهای غربی ایران این بود که بنابر تصویب‌نامه شماره ۷۴۵۹ مورخ ۱۳۱۲/۱۰/۱۲ به مأموران در مرزها دستور داده شد تا در معاملات جزئی سکنه قراء سرحدی ایران و عراق که برای تأمین احتیاجات شخصی آنها بود و همچنین در صورت عدم احراز قصد ارتکاب قاچاق، تشریفات قانون انحصار و مقررات قانون مجازات مرتکبان قاچاق اعمال نشود. هم‌چنین مقرر شد، فقط در صورتی مال‌التجاره ضبط و جریمه دریافت شود که به قصد فروش بدون اطلاع گمرک و از مبادی غیرقانونی وارد شده باشد. درباره عبور و مرور اشخاص بی‌بضاعت نیز مقرر شد برای رفع مشکلات سفر به عراق مجوز رایگان در اختیار آنها قرار گیرد (ساکما: ۱۳۱۰-۱۳۱۰، ۲۴۰-۲۴۰، ۱۳۸)، اما گسترش قاچاق به‌ویژه در محدوده قصرشیرین و روستاهای اطراف آن سبب شد مأموران تفتیش و تعقیب قاچاق درخواست کنند منوط به تهیه امکانات، اعم از محل و مکان و آذوقه، تعداد نفرات اداره تفتیش افزایش یابد (ساکما: ۱۳۱۰-۱۳۱۰، ۱۷). آنها برای توجیه درخواست خود اعلام کردند که این مسئله در تضاد با عملکرد مستحفظان یا گارد سرحدی نخواهد بود. طبق مستندات موجود، در برخی موارد بین اداره تفتیش و گارد سرحدی که در ۱۲۷۹ ش ایجاد شد و بیش‌تر اقوام آنها در قاچاق مشارکت داشتند مناقشاتی رخ می‌داد (ساکما: ۱۳۱۰-۱۳۱۰، ۲۸). سرانجام نیز با توجه به مشکلات پیش‌آمده و گزارش‌های متعدد در خصوص ناتوانی آنان در جلوگیری از قاچاق کالا اداره مستحفظان سرحدی غرب در واحد امنیه ادغام شد و در اختیار اداره جلوگیری و کشف قاچاق ایالت غرب قرار گرفت (ساکما: ۱۳۱۰-۱۳۱۰، ۱۸). برای ممانعت از مشارکت برخی مأموران گمرک در قاچاق نیز پیش‌نهاد شد گمرک مایحتاج مورد نیاز را به قیمت مناسب در اختیار آنها بگذارد تا در قاچاق مشارکت نکنند (ساکما: ۱۳۱۰-۱۳۱۰، ۲۸). با توجه به ناکارآمدی نیروهای دولتی و ضرورت تحدید فعالیت قاچاق بین عشایر پیش‌نهاد شد رئیس طایفه مسئول مستقیم ایالات شناخته شود تا در صورت

تردد غیرقانونی افراد طایفه در خاک عراق رئیس طایفه جریمه نقدی پرداخت کند یا مدتی توقیف شود (همان). این موضوع از آن رو اهمیت داشت که از یک سال قبل رئیس عشایر قصرشیرین به دریافت رشوه از عشایر برای قاچاق متهم بود (ساکما: ۱۱۲۴۳-۲۴۰، ۶).

کاهش بارندگی و کمبود غله در عراق طی ماه‌های آغازین سال ۱۳۱۶ ش به افزایش نرخ گندم در این کشور و افزایش قاچاق این محصول به عراق منجر شد (ساکما: ۱۴۶۹-۲۴۰، ۵؛ ساکما: ۱۴۶۹-۲۴۰، ۳). اقدام دیگر دولت اعزام بازرسان وزارتی برای همکاری با ادارات نظارت استان‌های غربی به ویژه خوزستان بود (ساکما: ۳۳۹۱-۲۴۰، ۲). این امر در حالی بود که قاچاق کالاهای گوناگون در دیگر مرزهای ایران هم‌چنان ادامه داشت و هیئت دولت در جلسه مورخ ۱۳۱۶/۱۲/۱۹ بار دیگر برای تعیین حدود مبادلات مرزی و برای جلوگیری از قاچاق کالا مصوباتی را در نظر گرفت (ساکما: ۱۲۲۶۲-۲۴۰، ۶). به‌علاوه سیاست‌های تشویقی نیز در نظر گرفته شد مبنی بر این که هر یک از افراد عشایر سرحدی می‌توانستند سالی یک‌بار هنگام بیلاق و قشلاق از محصولات یا اشیایی که مایملکشان بود، بدون دریافت مجوز صدور، هر بار تا میزان ۱۰۰ ریال به آن سوی مرز صادر کنند. هم‌چنین دو بار در سال مایحتاجشان از جمله حیوانات، پشم، و مواد غذایی را تا مبلغ ۵۰ ریال بدون ارائه مجوز وارد کنند. گمرکات سرحدی هم موظف به همکاری با آنان بود (ساکما: ۱۲۲۶۲-۲۴۰، ۲۴ و ۲۶)، اما این مصوبه نیز مانع از پرداختن عشایر به قاچاق به‌ویژه قاچاق گندم نشد و مشارکت آن‌ها در این کار تا سال ۱۳۲۰ ش ادامه یافت. وقوع خشک‌سالی و کاهش بارندگی در این سال کاهش گندم و افزایش قیمت آن را به دنبال داشت و به همین علت مالکان گندم و کشاورزان از تحویل مازاد غله خودداری می‌کردند تا گندم را از راه غیرقانونی به عراق صادر کنند (ساکما: ۱۰۹۵۲-۲۴۰، ۲).

رخ‌دادهای سیاسی عراق نیز از عوامل بازدارنده دولت عراق برای جلوگیری از ورود گندم قاچاق به این کشور بود. در ۱۲ فروردین ۱۳۲۰ ش / ۱ آوریل ۱۹۴۱ م رشید عالی گیلانی، نخست‌وزیر پیشین عراق، با هدف کوتاه‌کردن دست انگلیس از این کشور و برقراری مناسبات با ایتالیا و آلمان، طی کودتایی قدرت را به‌دست گرفت؛ دولت دفاع ملی را تشکیل داد و به منصب رئیس دفاع ملی منصوب شد. بدین ترتیب، عراق تا دو ماه بعد و تا یکم ژوئن (خرداد ۱۳۲۰ ش) درگیر مناقشات داخلی و نبرد بین نیروهای عراقی و انگلیسی بود که سرانجام به سقوط دولت رشید عالی گیلانی، فرار او به ایران، و تشکیل دولتی تحت حمایت انگلیس منجر شد (Lyman, 2006: 16-31). از پیامدهای این رخداد بروز اغتشاشات داخلی، نبود امنیت در مرز ایران و عراق، و تمرکز نیروهای انگلیسی مستقر

در عراق بر موضوع اشغال ایران از طریق مرزهایی بود که بخشی از قاچاق گندم به عراق در آن جریان داشت. در تیر ماه ۱۳۲۰ ش جلسه‌ای در وزارت دادگستری تشکیل شد و به موجب آن سه بازرس مخصوص برای استان‌های ۳ و ۴ (در مهاباد)، ۵ (در قصر)، و ۶ (در خرمشهر) تعیین و اعلام شد سریع‌تر به محل مأموریت اعزام شوند تا علاوه بر سازمان بازرسی کل قاچاق، این عده نیز با کارمندانی که در اختیارشان قرار می‌گرفت از قاچاق غله جلوگیری کنند (ساکما: ۱۰۹۵۲-۲۴۰، ۱۳۲۰/۳/۷، ۵۶). اما اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ ش به دست متفقین مانع از این کار شد و بیش از پیش بر وخامت اوضاع افزود. تلاش دولت برای خرید غله از درآمد اقتصادی کشور (ساکما: ۱۲۰۱۹-۲۴۰، ۷) نیز بی‌نتیجه بود و اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ ش باعث شد که اقدامات دولت برای جمع‌آوری محصول گندم در سطح کشور بی‌نتیجه باشد. در طی جنگ نیز میزان تولید گندم بسیار کاهش یافت. از جمله علل کاهش میزان گندم می‌توان به پایین‌بودن نرخ خرید گندم از سوی دولت، تمایل کشاورزان به کشت محصولات سودآور، ادامه خشک‌سالی در مناطق مرکزی و جنوبی، احتکار غله از سوی مالکان و دلالت، مشارکت و مداخله متفقین در خرید و صدور غله و سایر محصولات غذایی به خارج از ایران اشاره کرد. از این رو، وزارت دارایی از وزارت امور خارجه درخواست کرد تا با سفارت انگلیس برای کسب اجازه تفتیش خودروهای نظامی آن‌ها و جلوگیری از مشارکت نیروهای نظامی انگلیس در قاچاق مذاکره کند (ساکما: ۱۴۴۱-۲۴۰، ۲۹).

با وجود اقدامات دولت در جلوگیری از قاچاق، در آذر ماه ۱۳۲۰ ش بار دیگر قاچاق گندم به عراق آغاز شد. بدین ترتیب که گندم بلافاصله پس از درو قاچاق می‌شد و در مقابل کالای قاچاق یا قند و شکر وارد می‌کردند (ساکما: ۱۰۳۴۲-۲۴۰، ۲۳). فعالیت مأموران تعیین‌شده برای خرید مازاد محصول نیز بی‌نتیجه بود و به همین علت پیش‌نهاد شد که قیمت غله در مرزها افزایش یابد تا به‌طور غیرقانونی به خارج از کشور صادر نشود و «به فرض گران‌بودن در دسترس مردم باشد و از قحطی جلوگیری شود» (ساکما: ۴۸۲۷۰-۲۴۰). از آن‌جا که بازرگانان در بخشی از قاچاق گندم مشارکت داشتند، اداره کل گمرک برای جلوگیری از سوءاستفاده آن‌ها به ادارات مربوطه دستور داد برای نظارت بر مصرف کالاهایی که از تهران به شهرهای جنوب غرب و غرب کشور حمل می‌شد پته (مجوز) عبور گمرکی صادر شود (ساکما: ۱۰۳۴۲-۲۴۰، ۸). موضوع دیگری که مقررات صادرشده برای جلوگیری از قاچاق گندم و دیگر کالاها را بی‌اثر می‌کرد بروز ناامنی در مرزها به‌علت ورود نیروهای متفقین بود. به همین علت، مأموران سازمان امنیت و دوایر گمرکی مراکز

مأموریت را ترک می‌کردند و بدین ترتیب مانعی برای قاچاق در مرزها وجود نداشت (ساکما: ۱۳۹۸۰-۲۴۰، ۸). به گزارش روزنامه *جریده‌الاکبار*، چاپ بغداد، در نتیجه بازشدن سرحدات بین ایران و عراق، به‌طور پیوسته گندم از ایران به شهرستان (سلیمانیه امروز) وارد می‌شد و مأموران دولت عراق به جای جلوگیری از این رخداد درصدد ممانعت از احتکار گندمی برآمدند که از طریق قاچاق به عراق وارد می‌شد. طبق این گزارش، فرمانداری سلیمانیه به دو نفر از بازرگانان اجازه داد که گندم ایران را به عراق وارد کنند و پس از دریافت مالیات گمرکی گندم را به اداره مالیه تحویل دهند یا با نظر فرماندار و برای جلوگیری از احتکار به مستحفظان و اشخاصی که دسترسی به جایی ندارند فروخته شود (ساکما: ۱۰۳۴۲-۲۴۰، ۱۰/۳/۱۳۲۰، ۴۲).

با ادامه این اوضاع و همکاری نکردن مسئولان عراقی در مقابله با ورود گندم قاچاق از ایران، ستاد ارتش به وزارت دارایی پیش‌نهاد کرد که با دولت عراق پیمانی منعقد شود تا آن دولت ورود غله از خاک ایران به خاک خود را ممنوع اعلام کند و از ورود آن جلوگیری به‌عمل آورد. دفتر نخست‌وزیری این پیش‌نهاد را به وزارت خارجه فرستاد (سازمان اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت خارجه، ۱۳۲۱: کارتن ۵۳، پرونده ۲.۲، ۶). نظر وزارت خارجه بدین شرح بود:

تصور نمی‌رود این موضوع مخصوصاً در این موقع که آن مملکت احتیاج فوق‌العاده به خواربار دارد عملی باشد. شاید بهتر باشد مراتب به سفارت شاهنشاهی بغداد نوشته شود که موضوع را مورد مطالعه قرار داده و با اولیای دولت عراق داخل مذاکره شوند یا با کردار سفارت عراق اقدام به مذاکره فرمایند (همان: پرونده ۲.۲، ۱۰).

معاون کل وزارت خارجه ایران با سفارت شاهنشاهی ایران در بغداد مکاتبه کرد و ضمن شرح اوضاع موجود به مشکلات قاچاق گندم از ایران به عراق و بی‌نتیجه‌بودن تلاش‌های وزارت جنگ و دارایی در این خصوص اشاره و اعلام کرد که در صورت ادامه وضع موجود وضعیت ارزاق در ایران مختل و باعث بالارفتن نرخ خواربار می‌شود و بروز قحطی حتمی است. پیش‌نهاد وزارت امور خارجه به سفارت ایران در بغداد این بود که، ضمن انعقاد تعهدنامه بین ایران و عراق، هر دو کشور در جلوگیری از قاچاق مشارکت کنند (همان: پرونده ۲.۲، ۱۱). پاسخ سفیر ایران در عراق چنین بود که دولت عراق قادر به جلوگیری از عمل قاچاقچیان در طول مرزها نیست و چون غلات از عراق به کشورهای هم‌جوار ارسال می‌شود، در نتیجه قاچاق گندم ایران به آن کشور برای آن‌ها سودآور است. هم‌چنین سفیر ایران در عراق به وزارت خارجه اعلام کرد:

با تجاری که سفارت دارد دولت عراق نه در حال حاضر و نه در زمان گذشته هیچ وقت قادر به جلوگیری از قاجاق در مرزهای خود نبوده و اگر هم وعده‌هایی داده‌اند برحسب اصول و برای حفظ اعتبارات خودشان بوده؛ مخصوصاً با اوضاع حاضره که به مراتب از سابق بدتر شده دیگر به هیچ وجه نمی‌تواند نظم و ترتیب را در مرزهای خودشان برقرار کنند و بهتر است به عوض این که از آن‌ها چنین تقاضایی به عمل آید در خود ایران تدابیر مؤثر و جدی برای عدم وقوع عمل قاجاق خواربار به عمل آید (ساکما: ۲۲۱۵۸-۲۴۰، ۱).

در پایان سفارت‌خانه مذکور اعلام کرد که از این مذاکرات نتیجه مثبتی به دست نخواهد آمد و جز اتلاف وقت چیزی دیگر عاید ایران نخواهد شد (همان).

۴. نتیجه‌گیری

قاجاق گندم از مرزهای غربی یکی از معضلاتی است که مناسبات ایران و عراق را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مستندات تاریخی نیز از قاجاق گندم به عراق در دوره‌های گوناگون تاریخ معاصر ایران حکایت می‌کند. بروز مشکلات داخلی و خارجی در دوره مورد بحث این پژوهش، که مصادف با نخستین سال‌های تشکیل کشور عراق بود، زمینه افزایش روزافزون قاجاق گندم به عراق را فراهم کرد. فقر، کمبود بارش‌های فصلی، و بروز خشک‌سالی از عوامل داخلی در محدوده مرزهای غربی ایران بود که در افزایش قاجاق گندم از ایران به عراق نقش داشت. ملتزم نبودن بازرگانان و دلالتان ایرانی به مصوبات دولت در خصوص منع قاجاق، که حتی به کمبود گندم در ایران نیز منجر می‌شد، بیش از پیش زمینه افزایش قاجاق گندم به عراق را فراهم می‌کرد. راه‌کارهای کوتاه‌مدت دولت ایران برای ایجاد تسهیلات و رفع مایحتاج عشایر مرزنشینی که به قاجاق گندم می‌پرداختند، به واسطه فقدان کارآیی مأموران دولتی و رعایت نکردن قوانین صادرشده از سوی آن‌ها که خود یا بستگانشان در قاجاق دست داشتند و هم‌چنین به علت بروز اختلاف بین کارگزاران گمرکی و نیروهای نظامی مأمور برای کشف و ضبط کالای قاجاق، بی‌نتیجه می‌ماند. تغییر مصوبات مجلس و هیئت وزیران از ناکارآمدی قوانین و مقررات صادره حکایت می‌کند. در صورت کارآمدی برخی مصوبات نیز مشکلات داخلی از جمله وقوع خشک‌سالی و فقر عمومی زمینه قاجاق گندم را به مقصد عراق فراهم می‌کرد که به واسطه بروز برخی دگرگونی‌های سیاسی و مشکلات اقتصادی بازار مناسب و دائمی برای عرضه گندم ایران بود. آن هنگام که با

مداومت و پی‌گیری دولت ایران کمابیش زمینه‌تحدید قاجاق گندم در مرزهای غربی فراهم شد، وقوع کودتا در عراق و ورود نیروهای انگلیس به عرصه‌رخدادهای سیاسی این کشور، که به برکناری رشید عالی‌گیلانی و تثبیت نفوذ سیاسی - نظامی انگلیس در عراق منجر شد، شالوده اقدامات دولت ایران را بر هم زد. از نظر کارگزاران دولت ایران، تجربیات پیشین مبین این امر بود که مهار قاجاق گندم بدون همکاری متقابل دولت عراق امکان‌پذیر نیست. سرانجام نیز دولت ایران به معضل مشابه دولت عراق دچار شد و با حرکت نیروهای انگلیسی از عراق به سمت ایران، که به اشغال این کشور و درگیر شدن در جنگ جهانی دوم انجامید، آخرین راه‌کارها برای ایجاد محدودیت در قاجاق گندم به عراق ناکام ماند.

پی‌نوشت‌ها

۱. به جای سازمان اسناد و کتابخانه ملی از حروف اختصاری ساکما استفاده می‌شود.
۲. برخورداری مأموران بازرسی از حق‌الکشف یا جایزه (ساکما: ۶۲۰۹۷-۲۴۰، ۲) از دیگر تمهیدات برای ایجاد انگیزه بین مأموران برای ممانعت از قاجاق و همکاری با قاجاقچیان بود. این قانون در ماه‌های پایانی سال ۱۳۲۰ ش ملغی و مصوب شد که حق‌الکشف کاشفان، مخبران، و مأموران از محل وصول جریمه و حاصل فروش کالا تأمین شود (ساکما: ۱۴۴۱-۲۴۰، ۸۲).

کتاب‌نامه

- بنائی، رضا (۱۳۷۷). *آشنایی با مقررات گمرکی و ترخیص کالا*، تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
- ترابی‌فارسانی، سهیلا (۱۳۸۳). «سرمایه‌داری تجاری و عملکرد آن در سال‌های پس از جنگ جهانی اول»، *مجله علمی - پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، دوره دوم، ش ۳۶ و ۳۷، بهار و تابستان.
- حافظ‌نیا، محمدرضا و محسن جان‌پرور (۱۳۹۲). *مرزها و جهانی شدن: با نگاهی کوتاه به مرزهای ایران*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- داورپناه، داود (۱۳۸۹). «تحولات تاریخی جرایم خاص مرزی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- دستغیب، سیداسماعیل (۱۳۸۹). *گمرک ایران تصویری کوچک از واقعیتی بزرگ*، تهران: گمرک، نیک‌ملکی.
- دهقان‌نژاد، مرتضی و الهام لطفی (۱۳۹۲). «بررسی و تبیین عوامل مؤثر در شیوع قحطی سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۴ ش و اقدامات دولت در کاهش آثار مخرب آن»، *تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*، ش ۶، بهار و تابستان.

۱۲ بررسی عملکرد دولت درباره قاچاق گندم در مرز ایران و عراق (۱۳۰۴-۱۳۲۱ ش)

- دهقان‌نژاد، مرتضی و الهام لطفی (۱۳۹۳). «کمبود مواد غذایی و شورش‌های مردم ایران در سال‌های جنگ جهانی دوم ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۴ ش / ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۵ م»، پژوهش‌های تاریخی، س ۶، بهار.
- سازمان اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت خارجه (۱۳۲۱/۵/۱۱). «از نخست‌وزیر به وزارت امور خارجه»، کارتن ۵۳، پرونده ۲۰۲.
- سازمان اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت خارجه (۱۳۲۱/۵/۱۷). «از رئیس اداره اول سیاسی به وزارت خارجه»، کارتن ۵۳، پرونده ۲۰۲.
- سازمان اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت خارجه (۱۳۲۱). «از معاون کل وزارت خارجه به سفارت شاهنشاهی ایران در بغداد»، کارتن ۵۳، پرونده ۲۰۲.
- ساکما (۱۳۱۱/۲/۱). «از امیر مالیه قصر ذهاب به اداره مالیه کرمانشاهان، وضع اقتصادی اجتماعی کرمانشاه»، سند شماره ۶۷۱۰-۲۴۰.
- ساکما (۱۳۱۱/۲/۸). «از رئیس اداره مالیه کرمانشاهان به اداره تفتیش کل مالیه، وضع اقتصادی اجتماعی کرمانشاه»، سند شماره ۶۷۱۰-۲۴۰.
- ساکما (۱۳۱۳/۴). «از رئیس کل گمرکات به وزارت جنگ، شیوع قاچاق در سرحدات»، سند شماره ۲۴۰-۲۴۶۶.
- ساکما (۱۳۱۳/۱۰/۳). «از رئیس گمرکات سرحدی قصر به رئیس گمرکات سرحدی، جلوگیری از قاچاق در مناطق مرزی غرب»، سند شماره ۲۳۱۰-۲۴۰.
- ساکما (۱۳۱۳/۱۰/۱۲). «از کفیل تفتیش قاچاق به ریاست قاچاق تفتیش مملکتی، جلوگیری از خروج کالا از عراق»، سند شماره ۲۳۱۰-۲۴۰.
- ساکما (۱۳۱۳/۱۱/۱). «از رئیس گمرک قصرشیرین به ریاست ایالت گمرکات غرب کرمانشاه، جلوگیری از قاچاق در مناطق مرزی غرب»، سند شماره ۲۳۱۰-۲۴۰.
- ساکما (۱۳۱۳/۵/۱۱). «از وزارت جنگ به اداره گمرک، شیوع قاچاق در سرحدات، مساعدت عراقی‌ها در ورود قاچاق به ایران و اتهام رئیس عشایر منطقه قصرشیرین به اخذ رشوه از عشایر جهت حمل قاچاق»، سند شماره ۱۱۲۴۳-۲۴۰.
- ساکما (۱۳۱۴/۶/۴). «از قنصل دولت شاهنشاهی در عماره به وزارت امور خارجه، جلوگیری از شیوع قاچاق در مناطق مرزهای ایران و عراق»، سند شماره ۴۵۶۵۲-۲۴۰.
- ساکما (۱۳۱۶-۱۳۱۲). «جلوگیری از قاچاق در مناطق مرزی غرب»، سند شماره ۲۳۱۰-۲۴۰.
- ساکما (۱۳۱۶/۳/۲۲). «از اداره کل تثبیت غله به اداره کل گمرک، جلوگیری از قاچاق گندم به کشور عراق»، سند شماره ۱۴۱۶-۲۴۰.
- ساکما (۱۳۱۶/۴/۶). «کشف تلگراف رئیس گمرک تبریز، جلوگیری از قاچاق گندم به عراق»، سند شماره ۱۴۱۶-۲۴۰.
- ساکما (۱۳۱۶/۵/۱۷). «از وزارت مالیه به اداره کل گمرک، لزوم جلوگیری از قاچاق و صادرات گندم به خارج»، سند شماره ۳۳۹۱-۲۴۰.

صفورا برومند و زهرا شریف کاظمی ۱۳

- ساکما (۱۳۱۷/۱/۱۶). «از مهدی قلی ریاست وزراء به اداره کل گمرکات، تصویب نامه هیئت وزیران راجع به مبادلات مرزی»، سند شماره ۱۲۲۶۲-۲۴۰.
- ساکما (۱۳۱۸). «از طرف گروهی از زائرین به وزارت دارایی، ورود اشیای قاچاق توسط زائرین»، سند شماره ۱۳۱۸۴-۲۴۰.
- ساکما (۱۳۱۶-۱۳۱۹). «تصویب نامه های هیئت وزیران راجع به مبادلات مرزی»، سند شماره ۱۲۲۶۲-۲۴۰.
- ساکما (۱۳۲۰). «از خزانه داری به رئیس دارایی، وضعیت جمع آوری غله و جلوگیری از صدور آن از مرز غربی»، سند شماره ۱۲۰۱۹-۲۴۰.
- ساکما (۱۳۲۰/۱۰/۳). «روزنامه/اطلاعات، س ۱۶، ش ۴۷۴۵، جلوگیری از خروج کالا از عراق»، سند شماره ۱۰۳۴۲-۲۴۰.
- ساکما (۱۳۲۰/۴/۸). «از وزارت دارایی به نخست وزیر، تشکیل هیئت بازرسی جلوگیری از قاچاق کالا و غله در غرب و جنوب»، سند شماره ۱۰۹۵۲-۲۴۰.
- ساکما (۱۳۲۰/۴/۲۹). «از کفیل وزارت دارایی به مأمور بازرسی استان ششم، تشکیل هیئت بازرسی جلوگیری از قاچاق کالا و غله در مرزهای غرب و جنوب»، سند شماره ۱۰۹۵۲-۲۴۰.
- ساکما (۱۳۲۰/۹/۱۳). «از وزیر دارایی به وزارت خارجه، ورود و حمل قاچاق کالاهای عراقی از مرزهای غربی و جنوبی»، سند شماره ۱۴۴۱-۲۴۰.
- ساکما (۱۳۲۰/۱۰/۹). «از وزیر دارایی به رئیس اداره کل گمرک، جلوگیری از خروج کالا از عراق»، سند شماره ۱۰۳۴۲-۲۴۰.
- ساکما (۱۳۲۰/۱۰/۹). «وزارت دارایی به وزارت کشاورزی، جلوگیری از خروج غله به عراق»، سند شماره ۴۸۲۷۰-۲۴۰.
- ساکما (۱۳۲۰/۱۲/۱۸). «از وزارت دارایی به وزارت امور خارجه، جلوگیری از خروج کالا از عراق»، سند شماره ۱۰۳۴۲-۲۴۰.
- ساکما (۱۳۲۰/۱۲/۲۳). «از رئیس کل گمرک به وزارت دارایی، آئین نامه سازمان ضد قاچاق گمرکی»، سند شماره ۱۳۹۸۰-۲۴۰.
- ساکما (۱۳۲۱/۶). «از وزیر مختار به وزارت خارجه، لزوم جلوگیری از قاچاق گندم و جو به عراق»، سند شماره ۲۲۱۵۸-۲۴۰.
- ساکما (۱۳۱۹). «از گمرک کرمانشاه به اداره کل گمرک، جلوگیری از قاچاق در نقاط مرزی غرب کشور»، سند شماره ۶۲۰۹۷-۲۴۰.
- ساکما (۱۳۲۰/۱۱/۵). «از وزیر دارایی به اداره کل گمرک، ورود و حمل قاچاق کالاهای عراقی از مرزهای غربی و جنوبی»، سند شماره ۱۴۴۱-۲۴۰.
- غلامی و دیگران (۱۳۹۰). «قانون انحصار تجارت خارجی ایران ۱۳۰۹: زمینه ها، اهداف و پیامدها»، تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)، س ۲۱، ش ۱۱، پاییز.
- فلور، ویلم (۱۳۶۶). *جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی (۱۳۰۶). دوره ششم، ۲۲ اسفند.

۱۴ بررسی عملکرد دولت درباره قاجاق گندم در مرز ایران و عراق (۱۳۰۴-۱۳۳۱ ش)

مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی (۱۳۰۷). دوره هفتم، ۱۶ اسفند.

مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی (۱۳۱۲). دوره نهم، ۲۹ اسفند.

هالیدی، فرد (۱۳۵۸). *دیکتاتوری و توسعه سرمایه‌داری در ایران*، ترجمه فضل‌الله نیک‌آیین، تهران: چاپ‌خانه سپهر.

Lyman, Robert (2006). *Iraq 1941: The Battles for Basra, Habbaniya, Fallujah and Baghdad*, Oxford: Osprey.